

در یک نگاه

تناسب قوا در حال تغییر جدی است!

اعتراضات سرنوشت ساز در راه است!

صفحه ۲

رحمان حسین زاده

قدرت کارگران در شکل و اتحاد آنان است!

یادداشتی در رابطه با هفت تپه

صفحه ۳

سعید یگانه

طرح تشکیل "سپاه ملی کرد"

نسخه کردی حشد الشعبی

صفحه ۴

جمال کمانگر

اعدام قتل عمد دولتی است!

کلیه احکام اعدام باید لغو شود. هدف اعدام ارباب جامعه است. نابود باد حکومت اعدام!

حمایت سراسری از اعتصاب هفت تپه فوری و ضروری است!

یک طبقه، یک منفعت، یک سنگر!

کارگران بازداشتی را بقدرت اعتراض و مبارزه آزاد می کنیم!

کارگر هفت تپه آزاد باید گردد!

علیه حکم اعدام و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بایستیم

بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

نه به فقر، فلاکت و بیکاری

حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید تضمین شود!

علیه فقر، فلاکت و بیکاری

سیاوش دانشور

۵۵۲

مستکونی، کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

۲۷ تیر ۱۳۹۹ - ۱۷ ژوئیه ۲۰۲۰

چیزی در فضا می چرخد!

در دو هفته اخیر در روانشناسی کلکتیو جامعه تغییری رخ داده، یا دقیقتر، نمایان شده است. چرخ دنده گشوده فقر و بیکاری و گرانی و بیماری، حقوقهای پرداخت نشده و باجگیری روزانه حکومتیها، نفس مردم را بریده است. اشتهای اعتراض و زمزمه اعتراض از هرسوئی بلند است. جالب است؛ حکومت خود واقف است که خیزشهای خرد کننده پشت در است، برای آن شال و کلاه کردند، از سوئی "محدودیت کرونائی" اعمال میکنند و از سوی دیگر اوباش سرکوبگر را در نقاط حساس شهرها مستقر میکنند. آزاد کردن سریع کارگران هفت تپه، واکنش قوه قضائیه به هشتگ #اعدام\_نکنید، همینطور ظرفیت بالا و سریع ابراز وجود علیه اعدام را باید در قاپ این وضعیت گذاشت. حتی الصاق جرم "سرقت مسلحانه" به محکومین به اعدام توسط قوه قضائیه، یک عقب نشینی در باره "اعدام معترضین آبانماه" است. این وضعیتی است که به معنی دقیق کلمه قابل دوام نیست، آستانه تحمل کمتر شده و امکان سرریز کردن مجدد نارضایتی و اعتراض محتمل و قوی است. یک چیز معلوم است، جامعه خودکشی نمیکند، هیچ جامعه ای بدون جنگ تسلیم نمیشود، جنگ با جمهوری اسلامی تمام نشده و نظر به مجموعه مشخصات اوضاع، بسرعت موج جدیدی از آن در راه است.

سردبیر. ۱۶ ژوئیه ۲۰۲۰

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## در یک نگاه

## تناسب قوا در حال تغییر جدی است!

## اعتراضات سرنوشت ساز در راه است!

رحمان حسین زاده

## ۱- اعتصاب هفت تپه، همقطاران خود را آزاد کرد!

در روز سه شنبه ۲۴ تیر ۹۹، در سی امین روز اعتصاب و اعتراض محکم کارگران هفت تپه، چهار تن از فعالین کارگری این مبارزه یعنی ۱- یوسف بهمنی ۲- ابراهیم عباسی منجزی ۳- محمد خنیفر ۴- مسلم چشم خاور توسط سرکوبگران جمهوری اسلامی فقط به دلیل مبارزه جویی و همراهی فعال با دیگر همقطاران خود در اعتصاب و مبارزه پرشور این دوره کارگران هفت تپه بازداشت شدند. به خیال واهی فکر میکردند با دستگیری و حذف این چند فعال کارگری میتوانند، موانع جدی در مقابل تداوم اعتصاب هفت تپه ایجاد کنند، به زعمشان اگر چند نفر از سرجنابان اعتصاب را حذف کنند، این حرکت را فلج میکنند. اما اولاً، واکنش متحدانه و پر قدرت کارگران و مردم شوش در روز سی و یکم این اعتصاب با شعار رسای "کارگرنزدانی آزاد باید گردد" در خیابانهای شهر جمهوری اسلامی را مجبور کرد، در کمتر از ۲۴ ساعت آنها را آزاد کند. این موفقیت مهمی است. این عزم و اراده مبارزاتی نشان میدهد، که میشود، تناسب قوا را به نفع مبارزه در حال جریان چرخاند. این میتواند سرآغاز تغییر بیشتر به نفع مبارزه جویی کارگران و تحمیل همه خواسته هایشان و نهایتاً متحقق کردن، "اداره شورایی" نیشکر هفت تپه باشد. ثانیاً جمهوری اسلامی باید بفهمد، اعتصاب و مبارزات کارگران هفت تپه زمینه و ریشه عمیقی در میان کل کارگرن هفت تپه دارد و به ویژه در سالهای اخیر دهها و صدها کارگر مبارز و فعال آگاه و پرشور و جسور پا به میدان گذاشته و الهام بخش این مبارزات و اعتصابات برحق هستند. اینها میبایست درس بگیرند، مگر زندان و اذیت و آزار و فشار علیه فعال آگاه کارگران هفت تپه اسماعیل بخشی و دیگر همگامان او و حامیان هفت تپه در هیات تحریریه نشریه گام و سپیده قلیان و بقیه توانست مانع تحرک مبارزاتی هفت تپه شود؟ **واضح است نه!**

اعتصاب بیش از یکماهه اخیر هفت تپه و حمایت مردم شوش که توسط طیف جدیدی از فعالین کارگری هدایت میشود، همانند پتکی برسرخشان فرود آمده و گیج سری و سردرگمی فعلی را بر دست اندرکاران سرمایه و جمهوری اسلامی تحمیل کرده است. ثالثاً با بازداشت چهار فعال کارگری میخواستند این پیام را برسانند که قصد تن دادن به خواسته های برحق کارگران را ندارند. کارگران این نتیجه را میگیرند که برای تحمیل همه خواسته هایشان و پیروزی اعتصاب بیش از یکماهه به قدرت بیشتر و نیروی متحد تر در صفوف خود نیازمندند. هنوز همه کارگران و مزدبگیران مجتمع هفت تپه در صف اعتصاب و اعتراض برحق شان حضور ندارند. وقت آنست همه به همراه خانواده



هایشان به صف این اعتصاب و مبارزه بپیوندند. و به علاوه اعلام حمایت وسیع و موثر بخشهای مختلف جنبش کارگری و اردوی آزادیخواهان بسیار ضروری است. امیدوارم بسیاری از مراکز و رشته های کارگری و به ویژه مراکز کلیدی کارگری به هرنحو ممکن حمایت خود را اعلام کنند. توقع آن است، جنبش معلمان، رانندگان کامیون، پرستاران، بازنشستگان، دانشجویان آزادیخواه

از دانشگاههای مختلف و در یک کلام هم طبقه ایها و همسرنوشتان کارگران هفت تپه از اقصی نقاط کشور به هر شکل ممکن حمایتهای عملی و مبارزاتی را اعلام کنند. باید کاری کنیم، اعتصاب هفت تپه به پیروزی برسد، این رسالت مهم جنبش طبقه کارگر و صف آزادیخواه جامعه است.

## ۲- تحرک و هشتگ "اعدام نکنید" کار خود را کرد!

اعلام اجرای حکم اعدام سه جوان اسپر دست جمهوری اسلامی، امیر حسین مرادی، سعید تمجیدی، و محمد رجبی، تحرک اعتراضی پر دامنه و احساس مسئولیت بالای جبهه انسانیت جامعه را نشان داد. در ابعاد میلیونی با خواست "اعدام نکنید" اعتراض وسیع به اجرای احتمالی این حکم سراپا جنایتکارانه در سراسر جهان بازتاب پیدا کرد. این واقعه در صدر اخبار جهانی نشست. فشار تاکنونی این حرکت تا هم اکنون درجه ای از عقب نشینی و سردرگمی را به سران جمهوری اسلامی تحمیل کرده است. نفس توقف اجرای فوری حکم ضد انسانی این سه نفر و دسترسی مجدد و کلا به پرونده هایشان و احتمال بررسی مجدد این پرونده ها، مستقیماً حاصل تحرک مبارزاتی مهم ۲۴ ساعته در رسانه های اجتماعی و بخش از کانال "طوفان توئیتری" است که میلیونها انسان حق طلب و ضد اعدام نیروی فعاله آن بودند.

در این واقعه انسانیت و مبارزه آگاهانه ضد اعدام مردم ایران و همگامان آن در جهان پیکره قوی و درخشان خود را نشان داد. ابتکارات نوین مبارزاتی و استفاده موثر از مدیای مدرن و اجتماعی وزن موثر خود را به نمایش گذاشت و بالاخره در این جدال برسر "مرگ و زندگی" سه جوان هم تحمیل عقب نشینی (ولو محدود) و امکانپذیری تغییر تناسب قوا به نفع جبهه انسانیت و آزادیخواهی و جبهه کارگر و مردم تشنه رهایی را شاهد بودیم. به طور واقعی نشانه های قوی و جدی انفجار جامعه بر علیه فقر و فلاکت و بیکاری و برای جوار کردن جمهوری اسلامی قابل مشاهده و ملموس است. اخبار همین امروز رسیده از اعتراضات شهرهای بهبهان، ارومیه، تبریز، مشهد، شیراز و بعضی مناطق تهران، میتواند به سرآغاز جنبش اعتراضی توده ای بسیار گسترده تر و تعیین کننده تر از دی ماه ۹۶ و کوبنده تر از آبانماه ۹۸ تبدیل شود. میتواند به سرآغاز روند تعیین تکلیف نهایی با سرمایه داری حاکم و جمهوری اسلامی منجر شود. طبقه کارگر و کمونیس‌م کارگری به دوره ایفای نقش تاریخی و رهایی بخش پا گذاشته ایم. این فرصت را دریابیم!

\*\*\*

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**



کارگری اگرچه هنوز تناسب قوا آنچنان به نفع کارگران و مردم محروم تغییر نکرده است، اما در نقشه سیاست ایران مکان مهمی احراز کرده است. اکنون هفت تپه و داستان هفت تپه، حتی اگر در این دوره از اعتراض نتواند تماماً به خواسته‌هایش برسد، نه تنها در سطح منطقه ای و کشوری که آوازه مقاومت و

مبارزه این کارگران شهره جهانی پیدا کرده است. کارگران راهی جز ادامه مبارزه ندارند. هیچ جنبش و مبارزه و اعتراضی در حاکمیت جمهوری اسلامی بدون هزینه نیست. جمهوری اسلامی و سرمایه داران و دستگاه‌های سرکوب حامی آنان هر چقدر هم زور بزنند و تهدید کنند، می بینیم که این اعتراض و مبارزه نه تنها در هفت تپه که در گوشه و کنار جامعه بر سر معیشت و دستمزد و تورم و گرانی، علیه اختناق و سرکوب و برای آزادی و رفاه بیوقفه ادامه دارد.

اعتراض و اعتصاب کارگران هفت تپه تا رسیدن به مطالباتشان ادامه خواهد داشت. هنوز دیر نیست. حمایت از کارگران هفت تپه وظیفه همه کارگران در سایر واحدهای تولیدی است. شرایطی که کارگران هفت تپه با آن مواجهند، شرایطی است که اکثریت کارگران و مردم محروم در سایر مراکز، واحدهای تولیدی و شهرداریها با آن روبرو هستند. درد کارگران هفت تپه، درد میلیونها کارگر و انسان محروم آن جامعه است. هفت تپه در معرض تعطیلی و بیکاری ۵ هزار نفر نان آور خانواده که زندگی آنان به کار در این شرکت گره خورده قرار دارد. خصوصی سازی، تعطیلی و ورشکستگی یکی بعد از دیگری واحدهای تولیدی، اخراج و بیکاری سازی و حقوقهای معوقه، فقر و فلاکت پیش از حد، زندگی امروز اکثریت اردوی کار ایران را به نابودی سوق داده است. دست در دست هم، همانند کارگران هفت تپه در حمایت از این مبارزه برخیزید. کارگر چیزی جز قدرت اتحاد و همبستگی و تشکل برای ادامه مبارزه و پیروزی در اختیار ندارد. از کارگران هفت تپه حمایت کنید. زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری.

۲۵ تیر ۱۳۹۹

## زنده باد شوراها!

**ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را  
همه جا برپا کنید! در کارخانه ها و محلات  
شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان  
مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!**

## قدرت کارگران در تشکل و اتحاد آنان است!

### یادداشتی در رابطه با هفت تپه

سعید یگانه

روز سه شنبه ۲۴ تیر، بدنبال پایان اعتراض و اجتماع کارگران جلوی فرمانداری شوش، پلیس امنیت شوش چهار نفر از نمایندگان کارگران را با ضرب و شتم بازداشت کرد و بعد از ساعاتی آنها را به زندان دزفول منتقل کردند. امروز چهارشنبه ۲۵ تیر، کارگران مثل روزهای گذشته اما با عصبانیت و صلابت بیشتری به اعتراض ادامه دادند و با شعار "کارگر زندانی آزاد باید گردد" رفقای خود را از چنگ مزدوران آزاد کردند.

آزادی این عزیزان بدون سرسختی و دفاع تمام قد کارگران از رفقا و نمایندگان خود ممکن نبود. رژیم ناچار شد که کارگران را اگرچه با کفالت و گروکشی آزاد کند. سران رژیم نقشه کشیدند و تهدید کردند و قصد داشتند و دارند با به گروگان گرفتن نمایندگان و تهدید کارگران اعتراض و اعتصاب آنان را به شکست بکشانند. یک ماه است که کارگران در دمای ۵۰ درجه خوزستان با شرایط سخت کرونایی به مبارزه ادامه دادند. بی توجهی مسئولین به مطالبه کارگران و تهدید دستگاههای امنیتی آنان را از ادامه اعتراض نا امید نکرد و هر روز با برپایی تظاهرات در خیابانهای شوش بر تحقق مطالبات برحق خود پای فشردند. اعتراض و اعتصاب هفت تپه تاکنون درسهای گرانمایی برای جنبش کارگری ایران دارد. حیف آطور که هفت تپه شایسته و لایق بیشترین حمایت و پشتیبانی از طرف هم طبقه های خود در سایر واحدهای تولیدی بود، روبرو نشد و حمایت همه جانبه ای از آن صورت نگرفت، وگرنه اعتصاب هفت تپه با این استقامت و پایداری که از خود نشان داد، میتواند دستاوردهای بیشتری برای خود و جنبش کارگری داشته باشد.

آنچه که هفت تپه و اعتراض و اعتصاب کارگران را تا به امروز با دست خالی و جیب خالی در مقابل این جانوران، تهدید و تفرقه انداختن در میان کارگران، با صلابت و استقامت و پایداری نگه داشت "اتحاد و تصمیم جمعی کارگران از طریق مجامع عمومی" و وجود سخنگویان و نمایندگان لایقی است که تاکنون این اعتراض را هدایت کردند. گفتند که تصمیم، تصمیم جمعی کارگران است و مطابق آن رفتار و به اعتراض ادامه می دهیم. به این دلیل، و درست یک روز قبل از دستگیری کارگران، از نمایندگان خواستند که در جلسه شورای تامین شرکت کنند و در جواب گفتند: "اگر حرفی با ما دارید بیائید در جمع کارگران بزنید". آنان نمی خواستند پشت درهای بسته دور از چشم کارگران با دارو دسته رستمی و اسدبگی بنشینند و در مورد کارگران تصمیم بگیرند. حکومتی ها اما به دنبال آن بودند که این نمایندگان را دستگیر و روانه زندان کنند.

امروز هفت تپه و کارگران هفت تپه نه تنها به شوش و مردم این منطقه بلکه به کل جنبش طبقه کارگر در ایران تعلق دارند. هفت تپه و جنبش

## طرح تشکیل "سپاه ملی کرد"

### نسخه کردی حشد الشعبی

#### جمال کمانگر

جمهوری اسلامی در سرآشویی سقوط و فروپاشی قرار گرفته است. بحرانهای چند لایه و تو در تو سیاسی، اقتصادی و فرهنگی لاینحل مانده است. چشم اندازی برای بهبود اوضاع وجود ندارد. بحران مشروعیت سرپای رژیم اسلامی را فراگرفته است. اعتراضات کوبنده دیماه ۱۳۹۶ و آبان ماه ۱۳۹۸ که از اعماق جامعه و محلات کارگری شروع شده بود بسرعت طرحهای ارتجاعی و ضد خواستهای مردم برای آینده ایران را به عقب رانده است. جنبش اعتراضی در ایران برای آزادی و برابری و رفاه همگانی پا به میدان گذاشته است. جنبش اعتراضی کنونی مردم در ایران این پتانسیل را دارد که جامعه را از سموم ناسیونالیستی و تعلقات عقب مانده مذهبی و سنتی نجات بدهد.

اما این کل ماجرا نیست! نیروهای سناریو سیاهی زیادی در کمین نشسته اند که هم سرنوشتی وسیع مردم کارگر و زحمتکش ایران را تحت نام قوم و مذهب و ملیت تراشی نالازم و ارتجاعی از هم بپاشانند و بذرتنگ نظری قومی و مذهبی را به جامعه تسری دهند.

"مسئله کرد" یکی از معضلات قدیمی جامعه ایران است که کماکان لاینحل باقی مانده است. طبقات حاکم در قدرت و اپوزیسیون براساس چهارچوبهای فکری و سیاسی که به آن تعلق دارند راه حلهای گوناگونی برای این معضل ارائه میدهند. ملت به اصطلاح "بالا دست" در جهت انکار آن پیش می‌رود و احزاب ناسیونالیست کرد هم اشتراک نظری برای حل ریشه ای "مسئله کرد" ندارند. بلکه "کردایه تی" دکان دونیشی است برای شریک شدن در قدرت و بالا کشیدن دسترنج مردم زحمتکش کردستان. من در مطلبی تحت عنوان "ناسیونالیسم کرد دنبالچه بلوک بندی های ارتجاعی خاورمیانه" مفصل تر به آن پرداخته ام که علاقمندان میتوانند آنرا مطالعه کنند.

بعد از شکست داعش در عراق و سوریه بحث تشکیل "سپاه ملی کردستان" توسط یکی از احزاب حاشیه ای ناسیونالیست کرد به نام "حزب آزادی کردستان" که تماما تحت کنترل نهاد امنیتی حزب دمکرات کردستان عراق به رهبری بارزانی است مطرح شد. اما بدلیل مهجور بودن این جریان مورد توجه قرار نگرفت. بستر اصلی ناسیونالیسم کرد حول دو حزب دمکرات کردستان گرد هم آمده اند که در حال حاضر با دو شاخه "سازمان زحمتکشان" مرکز همکاری احزاب کرد را تشکیل داده اند. این احزاب تا چند ماه گذشته در مذاکره مستقیم با رژیم جنایتکار اسلامی بوده اند و چه بسا هنوز در پشت پرده مشغول بده و بستان با رژیم اسلامی هستند! خالد عزیز دیبرکل حزب دمکرات صریحترین نماینده ناسیونالیسم کرد در ایران است که آرزوی داشتن "دولت کردی" برای "اعدام زندانیان کرد" را دارد! شریک شدن در قدرت استراتژی اصلی این جنبش ارتجاعی در خاورمیانه است. خالد عزیز در یک مناسبت دیگری گفته است که "مشارکت در سرنگونی رژیم اسلامی در دستور کار آنها نیست و "مسئله کرد" در چارچوب رژیم اسلامی قابل

حل است." نقل به مضمون از مصاحبه کردی.

بادبان احزاب قومی و ناسیونالیستی کرد براساس جهت باد اوضاع سیاسی در ایران و خاورمیانه تغییر میکند و "نان به نرخ روز خوردن" بخشی از سیاست این احزاب است. بعد از اعتراضات کوبنده ۱۳۹۸ در ایران که رژیم اسلامی را در

چند قدمی سرنگونی قرار داد، سرها را دوباره به طرف جنبش اعتراضی و سرنگونی طلبانه مردم ایران برگردانده است. "مرکز همکاری احزاب کرد" که در بلوک بندیهای ارتجاعی خاورمیانه در کنار ترکیه، عربستان، بارزانی و آمریکا و دوجین دولت مرتجع دیگر قرار دارند برای فردای بعد از سرنگونی رژیم اسلامی خود را آماده میکنند. عبدالله مهندی رهبر یکی از شاخه های "سازمان زحمتکشان" طرح "سپاه ملی کردستان ایران" را مطرح کرده است. این طرح تماما در خدمت سناریوی سیاهی است که به منظور به خانه فرستادن مردم انقلابی در کردستان تدارک دیده شده است. تشکیل پلیس و "سپاه ملی کردستان" قرار است با پول و اسلحه ترکیه و عربستان و بارزانی و آمریکا، کارگر و زحمتکش کرد را به خانه بفرستند. فردا قرار است باندهای فالانژ و مسلح و مزدور تحت نام "منافع ملی کرد" صدای هر آرایخواهی را در آن منطقه در نطفه خفه کنند.

راه انداختن باندهای فالانژ مسلح و مزدور در خاورمیانه به بخشی از سیاستهای دول امپریالیستی تبدیل شده است. هیچ کدام از این دولتها قصد رودرویی نظامی مستقیم با همدیگر را ندارند، بلکه از طریق نیروهای مزدور سیاست منطقه ای خود را پیش می‌برند. نیازی نیست کل تاریخ تسلیح باندهای مسلح و فاشیستی در جهان را مورد بررسی قرار دهیم. فقط به سوریه و عراق در ده سال گذشته نگاه کنید و انواع دارو دسته های مسلح و تا مغز استخوان ارتجاعی توسط آمریکا و ترکیه و رژیم اسلامی و عربستان و قطر و دهها کشور مرتجع دیگر سازماندهی شده اند. "سپاه ملی کردستان" نسخه کردستانی "ارتش ملی سوریه"، "ارتش آزاد سوریه"، "حشد الشعبی"، "زینبیون"، "حزب الله"، "جبهه النصره" و دهها سازمان مسلح و آدمکش در خاورمیانه است. تسلیح چند هزار نفر مزدور مسلح که رزق و روزیشان را نهادهای امنیتی دول منطقه پرداخت کنند کار سختی نیست و میتوانند موی دماغ هر آدم متمدنی در جامعه کردستان و ایران بشوند. "مرکز همکاری احزاب کرد" در صدد اعاده حیثیت از باندهای مزدور و مرتجع و ضد مردمی نظیر "مکتب قرآن" مفتی زاده و "سپاه رستگاری" هستند.

این احزاب ۴۲ سال جنایت رژیم اسلامی را همین امروز نادیده میگیرند و حاضر هستند که پشت میز مذاکره بنشینند و برای حل "مسئله کرد" با جنایتکاران حاکم اسلامی در ایران به توافق برسند! نباید تردید داشت که فردا به طریق اولی حاضرند با همتای "فارس" شان در تهران گاوبندی کنند و شرایط اسفباری را به مردم کردستان حفته کنند! "سپاه ملی کردستان" قرار است از همین امروز تروریسم سیاسی و نظامی را سازمان بدهد و آگاهانه میخواد ناسیونالیسم را به یک سطح فالانژ ارتقا بدهد. هرچند در ۴۲ سال گذشته کمونیسم و چپگرایی اجتماعی به بخشی از سیاست و خودآگاهی مردم در این مناطق تبدیل شده و



## طرح تشکیل 'سپاه ملی کرد'

### نسخه کردی حشد الشعبی ...

سنت مبارزاتی قوی طبقاتی در جامعه بشدت تحزب یافته کردستان دیده میشود، اما مردم این مناطق هم در مقابل سم ناسیونالیستی واکسینه نیستند!

حل عادلانه "مسئله کرد" از کانال مبارزه طبقاتی و هم سرنوشتی با مردم سراسر ایران قابل وصول است. ناسیونالیسم کرد در صد سال گذشته نشان داده است از "ستم ملی" برای شریک شدن در قدرت و استثمار طبقه کارگر در کردستان استفاده میکند. کردستان عراق در ۳۰ سال اخیر نمونه بارز این تفکر ارتجاعی است که مردم را به خاک سیاه نشانده اند. احزاب و جریانات چپ و کمونیست فعال در جامعه کردستان ایران باید تحرکات ناسیونالیسم کرد را جدی بگیرند و طرح های ارتجاعی آنها برای خون پاشیدن به جامعه کردستان را همین امروز به شکست بکشاند.

\*\*\*

## فوراً و بدون تعلل زندانیان را

### آزاد کنید!

### علیه قتل عمد دولتی و کشتاری دیگر!

زندان های رژیم مملو از زندانی اند. زندانیان یکی از غیر بهداشتی ترین و خطرناک ترین اماکن شیوع کرونا است. زندانیان فوراً و بدون تعلل باید آزاد شوند. کلیه زندانیان باید تست شوند و مراتب آن با شفافیت اعلام شود. هر نوع تعلل در این زمینه، اقدام آگاهانه و عامدانه دولت به قتل عمد و کشتار جمعی است.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

## علیه حکم اعدام و رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بایستیم

ماشین کشتار جمهوری اسلامی از بدو تولد تاکنون دمی از کشتار معترضان باز نایستاده است. در ادامه کشتارها اخیراً دستگاه قضایی بعنوان یکی از اصلی ترین عوامل این کشتار معترضین و دستگیرشدگان سالهای ۹۶ و ۹۸ را نشانه رفته است. بیش از ۱۲ تن از آنها تحت عنوان «مفسد فی الارض» به اعدام محکوم شده اند. و در روزدوشنبه ۲۴ تیر دو زندانی سیاسی به اسامی دیاکو رسول زاده و صابر شیخ عبدالله .... را در زندان ارومیه اعدام کردند. امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی سه تن از دستگیرشدگان آبان ماه هستند که حکم اعدامشان تایید و به اجرا نزدیک شده است.

جمهوری اسلامی در چنگ بحران های متعدد و استیصال روزافزون در مقابل کارگران و زحمتکشان که در فقر و بی حقوقی دست و پا میزنند بوحشت افتاده و مثل همیشه جز کشتار معترضین راهی در مقابل خود نمی بیند. سالهاست که معجزه ترساندن و سرکوب آخرین ذخیره هایش را نیز شلیک کرده است. دیگر نمی توان با گلوله و زندان و اعدام پاسخ گرسنگی و فقر و بی حقوقی و تبعیض را داد و آنرا به سکوت وادار کرد. بیکاران، کارگران و زنان و باننشستگان بارها به خیابان آمده اند و تا پای جان ایستادگی کرده اند. علاوه بر کشتارهای تاکنونی هنوز خون تازه ۱۵۰۰ نفر در آبانماه بر سنگفرشها باقی است و هزاران دستگیری و صدها ناپدید شده نه تنها کسی را خانه نشین نکرده است، بلکه همه به روشنی می دانند که کابوس رژیم عروج مجدد معترضین است. دستگیری و زندانی کردن کارگران و احکام شلاق و اعدام گواه این وحشت از مرگ است. در تمام این مدت کارگران لحظه ای از اعتراضات خویش عقب نشینی نکرده اند و همچنان غول اعتراض مهیای خیابان است. اعتراض قدرتمند کارگران هفت تپه در سی و یکمین روز مبارزه پرشورششان، سرکوبگران را مجبور کرد، در کمتر از ۲۴ ساعت چهار فعال کارگری دستگیر شده را آزاد کنند. اعتراض گسترده و جهانی به حکم اعدام امیرحسین مرادی، سعید تمجیدی و محمد رجبی تحت نام "اعدام نکنید" فشاری را بر جمهوری اسلامی وارد کرده، که صحبت از بررسی مجدد پرونده آنها مطرح است. اما ترفندهای این رژیم شناخته شده است. فشار و اعتراض گسترده تر و محکمتر هنوز لازم است تا مجازات اعدام به طور اساسی و حکم اعدام این سه نفر لغو شود.

شورای همکاری مجازات اعدام را عملی جنایتکارانه میدانند و همه آزادیخواهان را به مقابله علیه این اقدام غیر انسانی و برای رهایی همه زندانیان سیاسی و کارگران زندانی فرامیخوانند. از همه کارگران و زحمتکشان میخواهد بهر طریق ممکن در مقابل این احکام انزجار خود را اعلام و برای الغاء آن تلاش کنند.

آزادیخواهان و نیروهای انقلابی و رفقای شورای همکاری: در هرکجا هستید در سازمانیابی اعتراض علیه این جنایات فعالانه شرکت و کوشش کنید.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی!

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم!

۱۵ جولای ۲۰۲۰

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

## اعدام قتل عمد دولتی است!

## علیه اعدام و حکومت اعدام اعتراض کنید!



## حمایت سراسری از اعتصاب هفت تپه فوری و ضروری است!

### یک طبقه، یک منفعت، یک سنگر!

جبهه، پیروزی و شکستی برای کل طبقه کارگر است. کارگران هفت تپه در باره حمایت مردم شوش و سراسر ایران، حمایت کارگران و جنبشهای اعتراضی حرفشان را زده اند. کارفرما از سوی دولت و انواع لابی های دولتی و غیر دولتی حمایت میشود. کارگران گرسنه و بیمار اما باصلابت و متحد هفت تپه، بجز هم طبقه ای هایشان همسنگر و متحدی ندارند. ضروری است اولاً، کارگران این فراخوان حمایت سراسری و عملی از هفت تپه را مجدداً اعلام و بر فوریت آن تاکید کنند. ثانیاً، در فاصله روز یا روزهائی مشخص اقداماتی عملی در حمایت از اعتصاب و خواستهای کلیدی کارگران صورت گیرد. فعالین کارگری میتوانند دست به ابتکارات مختلفی بزنند؛ از حضور کنار کارگران هفت تپه و حمایت مالی از اعتصاب و خانواده هایشان تا کمپین شهری دفاع از کارگر هفت تپه، از ایجاد فضای اعتراضی و صدور بیانیه های روشن تر و محکم تر تا شعارنویسی گسترده در دفاع از اعتصاب هفت تپه، از سازماندهی اعتصاب کوتاه مدت و حمایتی تا اقدامات دیگر در محلهای کار، امروز نیاز مبرم اعتصاب هفت تپه است.

آنچه در مرکز کشمکش این اعتصاب و مبارزات باشکوه سالهای گذشته قرار دارد، تعیین تکلیف وضعیت شرکت و مسئله امنیت شغلی و آینده بیش از پنج هزار کارگر و به اعتباری آینده شهر شوش است. الغای خصوصی سازی و خلع ید بخش خصوصی از هفت تپه، بازگشت شرکت به دولت با نظارت کامل کارگران، تنها موضوعی مربوط به مجتمع هفت تپه نیست بلکه یک جبهه سراسری تر مبارزه کارگری در ایران است. این جنگی برسر شکل مالکیت - دولتی یا خصوصی - نیست، هفت تپه مال کارگران است، بلکه جنگی برسر بقای هفت تپه و دفاع از امنیت شغلی و ایجاد تغییر بنفع کارگران است. به این معنا این جنگی با کل سیاستهای است که طی این سالها کارفرمایان و دولتهای حامی شان علیه طبقه کارگر اجرا و پیش برده اند. امروز دل هر انسان آزادیخواه و منصفی با هفت تپه است. اعتصاب هفت تپه میتواند و باید پیروز شود. این پیروزی، همانطور که کارگران هر روز فریاد میزنند؛ در گرو اتحاد کارگران است. اتحاد در هفت تپه و شهر شوش و مراکز کارگری خوزستان تا اتحاد در همه جای ایران از موضع منفعت اجتماعی طبقه کارگر.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست به مبارزه و استقامت و اتحاد کارگران هفت تپه درود میفرستد. فراخوان ما اینست که جنبش حمایت از هفت تپه را سرعت و با ابتکارات مختلف گسترش دهیم، از کارگران حمایت مادی و معنوی کنیم، در هر اعتصاب و اعتراض دیگر آگاهانه از هفت تپه و درد مشترک طبقه مان یاد کنیم، اعتراض خود به بیحقوقی را به اعتراض به بیحقوقی علیه کل کارگران و کارگر هفت تپه بدل کنیم، مشخص تر در حمایت از اعتصاب و خواستهای آن دست به اقدامات عملی متنوع بزنیم. ما یک طبقه ایم، یک منفعت داریم و علیه بورژواها و دولت حامی شان در یک سنگر واحد قرار داریم. کارگر هفت تپه امروز نگین جنبش کارگری ایران است. حمایت شان کنیم!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۳ تیر ۱۳۹۹ - ۱۳ ژوئیه ۲۰۲۰

امروز دوشنبه ۲۳ تیر ماه، کارگران هفت تپه بیست و نهمین روز اعتصاب را برگزار کردند. امروز تعداد زیادی از کارگران هفت تپه مجدداً مقابل فرمانداری اجتماع کردند، بعد از سخنرانی و سر دادن شعار به سمت شهر شوش و ترمینال اهواز و هفتم تیر راهپیمایی کردند. شعار مرکزی کارگران لغو خصوصی سازی و محاکمه اسدبیگی بود. سخنرانی فعالین کارگری و شعارهای اجتماع حول اتحاد کارگران، ضرورت حمایت از اعتصاب تا خلع ید از بخش خصوصی در هفت تپه بود.

پرداخت یکماه از حقوق ها و وعده پرداخت حقوق ماههای دیگر در مرداد ماه، همینطور تهدید جلسه وزارت تعاون در تهران نتوانست کارگران را ساکت کند. مطالبات اصلی کارگران یعنی بازگشت به کار همکاران اخراجی، مجازات اسدبیگی و رستمی و بیرون انداختن بخش خصوصی سرچاپشان هستند. همینطور بنا به خیر کارگران، امروز عصر دوشنبه قرار است جلسه دیگری با شورای تامین استان در فرمانداری شوش برگزار شود که از مدیران هفت تپه و شورای اسلامی کارخانه برای شرکت در این جلسه دعوت شده است. این جلسه نیز مانند جلسه تهران از پیش مهر شکست را بر پیشانی دارد، مدیران اسدبیگی همراه خود وی باید بروند و بطریق اولی چماق دست کارفرما یعنی شورای اسلامی ضد کارگر بیخود میکند "از جانب کارگران" در این جلسه شرکت میکند. تصمیمات این جلسه از نظر کارگران اعتبار ندارد.

### یکماه اعتصاب در شریط بحرانی

اعتصاب هفت تپه فردا سه شنبه ۲۴ تیر یکماهه میشود. این اعتصاب در گرمای بالای ۴۰ درجه و بیشتر با مخاطرات گسترش بیماری کرونا تاکنون متحدانه و با استقامت پیش رفته است. علیه تهدید و تفرقه ایستادگی کرده و تنها اتکایش مجمع عمومی کارگران و "هرچه کارگران بگویند" بوده است. تاکنون چه فردی و چه جمعی تشکل ها و محافل و کارگران بخشهای مختلفی از خوزستان تا دیگر استانها از اعتصاب حمایت کردند. در مواردی اقدامات عملی حمایتی صورت گرفته است. در شهر شوش از خانواده ها تا بخشی از بازاریان، از کارگر دستفروش تا عشایر از کارگر هفت تپه حمایت کردند. در واقع هفت تپه بدلیل حقانیت خواستهایش و سابقه مبارزه درخشانش، موفق شده است بدرجه ای فضای سیاسی شهر و استان را حول خود قطبی کند. این یک پیشروی است که باید از آن برای ایجاد یک وحدت طبقاتی قدرتمند کارگری سود جست. کارگران هفت تپه در آستانه یک تحول در آینده شرکت هستند و آنرا در خواست تاکتیکی "الغای خصوصی سازی" بیان میکنند. کارگران اینروزها شعارهایشان را آگاهانه روی این خواست و دفاع از همکاران اخراجی متمرکز کرده اند.

### یک حمایت عملی سراسری مبرم است

کارگر هفت تپه و هر بخش دیگر علیرغم هر فداکاری نمیتواند به تنهایی به یک مصاف تعیین کننده برود. هر اعتصاب کارگری سنگری از مبارزه سراسری جنبش طبقه کارگر و هر پیروزی و شکست در هر

## کارگران بازداشتی را بقدرت اعتراض و مبارزه آزاد می کنیم!

### کارگر هفت تپه آزاد باید گردد!

همکاری افراد شورای اسلامی است که در این جلسات شرکت داشتند. هدف این جلسه امنیتی تلاش برای خواباندن و سرکوب اعتصاب بود. اما این سیاست شکست خورده است. سناریونویسی و اخراج امتحان شد و جواب نداد، اعتصاب یکماهه اخیر گواهی است. یوسف بهمنی، مسلم چشمه خاور، ابراهیم عباسی و محمد خنیفر را به قدرت اعتراض و اعتصاب آزاد می کنیم. سیاست سرکوب موجب حاشیه ای شدن خواسته های اساسی کارگران مانند بازگشت به کار همکاران اخراجی و خلع ید از بخش خصوصی در هفت تپه نخواهد بود بلکه آزادی فوری همکاران به راس اعتراض و اعتصاب می رود. کارگر در هفت تپه و در چهارگوشه ایران در منگنه فقر و فلاکت و بیماری و بیکاری دست و پا میزند، دیگر بطور واقعی چیزی برای از دست دادن نمانده است. این دولت روی بشکه باروت نفرت کارگران و مردم فقر زده و گرسنه نفس میکشد. نه فقط هفت تپه و شوش ساکت نمی شود بلکه همه جا کارگران علیه این وضعیت صدایشان بلندتر خواهد شد. این اقدام دولت و نیروهای امنیتی از وحشت سمپاتی روزافزون به اعتصاب هفت تپه در جنبش کارگری و جامعه، در هراس از قطبی شدن فضای شوش و خوزستان حول اعتصاب هفت تپه صورت میگیرد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بازداشت و زندانی کردن کارگران هفت تپه را قویا محکوم میکند و کارگران هفت تپه و بخشهای مختلف طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به گسترش اعتراض و اعتصاب برای آزادی کارگران زندانی و کلیه زندانیان سیاسی دعوت میکند. این دولت استثمارگران، رشوه بگیران، اختلاسگران و کارفرمایان فاسد است و وظیفه اش تمحیق و تطمیع و سرکوب هر اعتراض آزادیخواهانه است. اما تنها راه ما کارگران ادامه مبارزه و دفاع متحد از همسنگرانمان است. کارگر هفت تپه آزاد باید گردد!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۴ تیر ۱۳۹۹ - ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۰

امروز سه شنبه ۲۴ تیر ماه حوالی ساعت ۱۱، بعد از اجتماع و تظاهرات کارگران، پلیس امنیت شوش چهار نفر از کارگران هفت تپه آقایان یوسف بهمنی، مسلم چشمه خاور، ابراهیم عباسی و محمد خنیفر را بازداشت و به زندان دزفول منتقل کرد. دیروز دوشنبه ۱۳ تیر ماه اسماعیل محمد ولی خبرنگار حوزه کارگری همراه با یک عکاس توسط پلیس امنیت شوش دستگیر شدند. این خبرنگار مجوز تهیه گزارش از هفت تپه را داشت.

دیروز دوشنبه عصر جلسه شورای تامین استان در فرمانداری با شرکت نمایندگان کارفرما و شورای اسلامی برگزار شد. عوامل کارفرما با فعالین و نمایندگان کارگران تماس می گیرند و آنها را دعوت به شرکت در جلسه شورای تامین استان می کنند. کارگران از شرکت در این جلسه امتناع و پاسخ میدهند که اگر حرفی دارید بیانید میان کارگران بزنید. امروز کارگران بعد از تظاهرات برای گرفتن خبر از وضعیت خبرنگار بازداشتی اسماعیل محمد ولی به پلیس شوش مراجعه میکنند. پلیس امنیت شوش خبرنگار بازداشتی را آزاد میکند اما یوسف بهمنی، مسلم چشمه خاور، ابراهیم عباسی و محمد خنیفر را بازداشت و به زندان دزفول منتقل میکند. لازم به ذکر است که آقایان محمد خنیفر و یوسف بهمنی طی هفته های قبل دچار بیماری کرونا شدند و در دوران نقاهت بیماری بودند که بازداشت شدند. همینطور بنا به اظهارات خانم فرزانه زیلابی وکیل کارگران هفت تپه، محمد رضا دبیربان از دیگر کارگران هفت تپه توسط شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری شوش به ۲۲۲ ضربه شلاق محکوم شده است. این حکم براساس اتهامات ساختگی "توهین به مقامات، نشر اکاذیب و افترا" صادر شده است.

### کارگران هفت تپه!

امروز اعتصاب هفت تپه یکماهه شد و دولت مدافع کارفرما بدنبال انواع توطئه برای ایجاد تفرقه و شکست اعتصاب، نهایتا به کاری که بلدند رو آوردند؛ بازداشت و پرونده سازی! اقدام دیروز و امروز پلیس امنیت شوش حاصل تصمیمات جلسه های حکومتی- کارفرمایی با

چهارشنبه ۲۵ تیر ماه

آزادی کارگران بازداشتی هفت تپه

یوسف بهمنی، مسلم چشمه خاور، ابراهیم عباسی و محمد خنیفر

مقدمتان مبارک!



## نه به فقر، فلاکت و بیکاری

### حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید تضمین شود!

جهانی است و میتواند و باید با نیروی مبارزاتی کارگران و مردم تشنه رهایی جامعه به زیر کشیده شود.

#### علیه فقر، فلاکت و بیکاری: یک قلمرو عاجل نبرد طبقاتی!

جنبش طبقه کارگر و جنبش توده ای رادیکال در نبردی مستمر برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و ساقط کردن کامل بورژوازی از اریکه قدرت در تلاشند. این پاسخ قطعی جنبش آزادیخواهانه ما برای پایان دادن به همه مصائب ناشی از حاکمیت سیاه کاپیتالیستی موجود و جمهوری اسلامی است. این هدف پایه ای و استراتژیک طبقه کارگر در هر مقطع در عرصه های نبرد تاکتیکی مشخص برجسته و جاری میشود. در این مقطع حساس مقابله و سنگربندی جنبش طبقه کارگر و جنبش اعتراضی توده ای علیه فقر و فلاکت و بیکاری به مثابه عرصه های تاکتیکی عاجل نبرد جاری بیش از هر دوره ای مبرمیت دارد. براین اساس فراخوان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست اینست:

#### ۱- جنبش سازمانیافته و هدفمند "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" را به میدان بکشیم!

عرصه های مبارزات جاری علیه وضع موجود، علیه تعرض معیشتی، اقتصادی و سیاسی حاکمیت جمهوری اسلامی متنوع است. طبقه کارگر و مردم تحت فشار به طور مستمر، در جبهه های متعدد مبارزه اجتماعی و طبقاتی از جمله علیه فقر و دستمزدهای ناچیز، علیه بیکاری میلیونی و بیکارسازیهای گسترده این دوره، علیه تعرض به حقوق پایه و گرانی و نبودن امکانات سلامتی و پزشکی و بهداشتی و در یک کلام علیه اوضاع فلاکت بار زندگی در مبارزه ای بی وقفه اند. هر تک اعتصاب و اعتراض و موفقیتی در این عرصه های نبرد مبارزاتی مهم و با ارزشند، اما کافی نیستند. یک صفتبندی و سنگربندی موثرتر و متحدتر و گسترده تر لازمست. فصل مشترک همه این مبارزات ایستادگی در مقابل تحمیل فقر و فلاکت و گرسنگی و بیکاری است. اکنون وقت آن است همه بخشهای مختلف این مبارزه، آگاهانه و مبتکرانه و سازمانیافته، با خواست و شعار سلبی و محوری "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" به میدان بیایند. نیروی فعاله و ستون فقرات شکل دادن به چنین صفتبندی مبارزاتی، جنبش طبقه کارگر است. فراخوان ما اینست رهبران و پیشروان آگاه جنبش کارگری و کمونیستهای طبقه کارگر با ابتکار و خلاقیت و همگامی و اتکا به پلاتنرم روشن، سازماندهی و رهبری مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" را تضمین کنیم.

#### ۲- حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید تضمین شود!

خواسته های برحق متعددی علیه شرایط فلاکتبار زندگی در مبارزات جاری مطرحند. اما مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" لازمست حول خواست اثباتی و محوری شفاف متحد شود. خواستی که در این دوره میتواند شرایط زندگی طبقه کارگر و مردم زیر فشار را به

سونامی فقر و فلاکت و بیکاری همراه با استبداد و سرکوب و فجایع اجتماعی ناشی از آن، زندگی طبقه کارگر و اکثریت عظیم شهروندان جامعه ایران را به لبه پرتگاه کشانده است. میلیونها بیکار و بی مسکن، کارتن خواب و گور خواب و کودکان کار، زندگی زیر خط فقر بیش از نیمی از جمعیت ایران که فاقد بیمه های اجتماعی و درمانی و محروم از کمترین امکانات سلامت و بهداشت و پزشکی هستند، تصویر اولیه از موقعیت تکانهنده زندگی اکثریت عظیم شهروندان جامعه ایران است. کاپیتالیسم عمیقاً بحران زده ایران و اقتصاد در حال فروپاشی جمهوری اسلامی سرمنشاء این تراژدی است که با پیدایش و گسترش ویروس کرونا، شرایط فاجعه بارتر و غیرقابل تحملتر شده است. بر بطن موج جدید بحران اقتصادی سرمایه داری جهانی سال ۲۰۲۰ و ادامه مصیبت بار پاندمی کرونا، گسترش فقر شدید، فلاکت و بیکاری انبوه از پیامدهای نگران کننده آن است. مرگ و نیستی در ابعاد میلیونی انسانها و جامعه را تهدید میکند.

نظم استثمارگر سرمایه داری بیش از هر دوره ای ارجحیت سودپرستی و فقط تامین سود بیشتر را بر انسان و همه وجوه زندگی وی در مقابل خود قرار داده است. این نظم وارونه میخواید پیدایش و گسترش پاندمی کرونا را به دستاویزی برای شانه خالی کردن از زیر بار فجایع به بار آمده و به روال همه دوره های بحرانزدگی به فرصتی برای سرشکن کردن پیامدهای بحران جاری علیه طبقه کارگر و بشریت تبدیل کند. سناریوی هولناک تحمیل فقر و فلاکت و بیکاری، در این دوره هم، فوری ترین دستور کار بورژوازی جهانی و به ویژه سرمایه داری مستبد و متکی به کار ارزان در ایران است.

سناریوی ضد انسانی کاپیتالیسم در جهان و در ایران پذیرفتنی نیست. رسالت طبقاتی و تاریخی طبقه کارگر و کمونیسم ایجاب میکند، در مقابل طرحهای رفع بحران و بازسازی نظم کاپیتالیستی بحران زده و لطمه خورده از کرونا و در دوره پسا کرونا، جنبش کمونیستی و کارگری آلترناتیو رهایی از کلیت نکبت سرمایه را به میدان آورد. اما برای مقابله با طرحهای انباشته از رنج و مرگ و محنت کاپیتالیستی آلترناتیو کارسازی، غیر از ایستادگی و مبارزه سازمانیافته و هدفمند طبقه کارگر و مردم تحت فشار به منظور به شکست کشاندن طرحهای سبعانه و نهایتاً ساقط کردن بورژوازی از اریکه قدرت موجود نیست. در ادامه مبارزات گسترده دی ماه ۹۶ و آبانماه ۹۸ و ابراز وجود امید بخش جنبش کارگری و اردوی طبقه کارگر در سالهای اخیر، مشاهده جنب و جوش تظاهراتها و اعتراضات کارگری و توده ای بر بستر خشم و انزجار عمیق تلنبار شده، فاکتورهای واقعی و قوی عروج مجدد انفجارات اجتماعی و اعتصابات و اعتراضات کارگری و توده ای در مقابل بورژوازی افسارگسیخته و رژیم جمهوری اسلامی است. نظام اسلامی سرمایه در ایران یکی از ضعیفترین حلقه های سرمایه داری



## نه به فقر، فلاکت و بیکاری

### حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید تضمین شود ...

این دوره و مبارزه علیه فقر و فلاکت و بیکاری است.

۴- جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" بخش لاینفک نبرد برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ساقط کردن حاکمیت بورژوازی است! هدف مستقیم و فوری مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری"، به شکست کشاندن تعرض اقتصادی و سیاسی حکومت اسلامی و ایجاد بهبود جدی و سریع در شرایط کار و زندگی طبقه کارگر و مردم محروم جامعه ایران است. تردیدی نیست هر قدم پیشروی این جنبش در گرو یک قدم عقب راندن جمهوری اسلامی است. نهایتاً بهبود جدی شرایط زندگی کارگران و مردم در گرو به زیر کشیدن حاکمیت جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری است. به این ترتیب مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" بخش لاینفک جنبش انقلابی سرنگونی جمهوری اسلامی با اتکا به جنبش طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی است که حول سیاست و رهبری کارگری - کمونیستی بسیج شده اند.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست توجه کارگران و مردم را به این واقعیت جلب میکند که هیولای "فقر و فلاکت و بیکاری" تهدید بزرگی علیه طبقه کارگر و شهروندان جامعه ایران است. فراخوان ما اینست با سازماندهی مبارزه و جنبش قدرتمند "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" و با خواست، "حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید تضمین شود" این تهدید و سرمنشاء این تهدید سرمایه داری حاکم و جمهوری اسلامی را به شکست بکشانیم و تحقق آزادی، برابری و رفاه همگانی را ممکن کنیم.

۱۶ خرداد ۱۳۹۹ - ۵ ژوئن ۲۰۲۰

فوریت بهبود بخشد، و در این دوره میتواند مبنای اتحاد و همبستگی بخشهای مختلف مبارزاتی باشد، خواست "حرمت، معیشت و سلامت کلیه ساکنین ایران باید تضمین شود" است. منظور از تامین حرمت؛ برابری کامل شأن افراد در مقابل قانون و منظور از معیشت و سلامت به معنای وسیع کلمه، یعنی تامین همه وجوه زندگی شایسته انسان مطابق آخرین دستاوردها و استانداردها که انسان امروز به آن نیاز دارد. یعنی هیچ شهروند و ساکن ایران تحت هر شرایطی دغدغه تامین غذا و پوشاک کافی، مسکن مناسب، طب و سلامت و بهداشت، تحصیل و آموزش رایگان، امکان و زمان فراغت و تفریح، دسترسی به ترانسپورت و دیگر مایحتاج ضروری زندگی را نداشته باشد. با اتکا به اراده و مبارزه موثر و قدرتمند میتوان و باید دولت را به "تضمین بی اما و اگر حرمت، معیشت، و سلامت کلیه ساکنین ایران" موظف کرد.

### ۳- شوراها را در مراکز کار و محلات باید ایجاد کرد!

پیشروی و پیشبرد مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" در گرو اتحاد و سازمانیابی توده ای این جنبش است. ایجاد شوراها در هر مرکز کار و رشته کارگری و هر محله و شهر، سازماندهی و تقویت یک جنبش شورائی، ابزار و پایه اصلی متشکل شدن و قدرتمند شدن مبارزه و جنبش "نه به فقر و فلاکت و بیکاری" است. لازمست رهبران و فعالین کمونیست جنبش طبقه کارگر و اردوی انقلابی در هر جا که هستند، در مراکز کار و رشته های کارگری، در محلات، در مراکز آموزشی و دانشگاهها و میان نسل جوان محروم از کار و معیشت و توده عظیم بیکاران، ابتکار سازماندهی شوراها را بدست بگیرند. سازماندهی شوراها و جنبش شورایی ضرورت حیاتی پیشبرد مبارزه

جنایتکاران قوه قضائیه امروز سه شنبه ۲۴ تیر اعلام کردند که حکم اعدام سه زندانی سیاسی آبانماه ۹۸ تأیید شده است. جمهوری اسلامی آگاهانه میخواهد امیرحسین مرادی، سعید قمجیدی و محمد رجبی سه جوان معترض آبانماه را اعدام کند. این تلاشی از سرِ وحشتِ تکرار آبانماه است. جامعه زیر فشار شدید سرکوب و فقر و فلاکت و بیکاری و بیماری است. این وضع قابل دوام نیست و "خطر" انفجار اعتراضات توده ای ظرفیت بالائی دارد. جمهوری اسلامی از همین می ترسد و با اعدام میخواهد جلوی آنرا بگیرد. در دفاع از فرزندان عزیزمان، در دفاع از زندانیان آبانماه و علیه حکومت اعدام متحدانه بمیدان بیائیم. زندانیان باید بدون قید و شرط آزاد شوند! کلیه احکام اعدام باید لغو شود! اعدام قتل عمد دولتی است!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۴ ژوئیه ۲۰۲۰

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran - HeKmatist

اعدام  
قتل عمد  
دولتی  
است!

## علیه فقر، فلاکت و بیکاری

سیاوش دانشور

مبارزه علیه فقر و فلاکت اقتصادی یکی از عرصه های حاد نبرد طبقاتی در ایران است. بیکاری وسیع تنها یکی از پیامدهای فقر و فلاکت عمومی و از نتایج تشدید بحران اقتصادی است. پیامدهای اجتماعی فقر روزافزون محدود به بیکاری گسترده نخواهد بود و عواقب بسیار دهشتناکی در نرخ سلامت عمومی، در الگوهای رفتاری و مناسبات اجتماعی، در رابطه زن و مرد، در موقعیت اجتماعی بخشهای قانوناً فرودست و ناامن از جمله کودکان و بازنشستگان و زنان، در عادی سازی خشونت فرد علیه فرد، در ایجاد فرجه های تعرض بیشتر به حلقه های ضعیف اقتصادی و اجتماعی، در افزایش بزهکاری و جنایت، در قلمرو تفکر از موضع و نگاه دارا به ندار، در رشد اخلاقیات دون پایه اعم از تحقیر عمومی و فردی و تبعیض و رشد نگرشهای فاشیستی خواهد داشت. دولت و قانون نیز، به حکم "وظیفه" و مسئولیت حمایت از قدرتمداران و تامین امنیت آنها از دست "بی سروپاها"، به سرکوب و قبیحانه تری روی خواهد آورد و خشونت دولتی برای "اعاده نظم" را بیش از پیش تشدید خواهد کرد. باید نگاه یک بعدی به فقر را جدی نگرفت، فقر صرفاً مقوله ای اقتصادی نیست، هرچند از اقتصاد سیاسی جوامع امروز سربر می کند و به تشدید تمایزات اقتصادی دامن میزند، اما همزمان سلطه سیاسی و فرهنگی و نگرش زمخت فرد بورژوا به حق و آزادی فردی و جمعی را تقویت و حدادی میکند.

جنبشهای ناسیونالیستی و بورژوائی علاقه ای به صورت مسئله فقر و فلاکت اقتصادی ندارند، چون با تمایلات و جهت سیاسی و نیروی اجتماعی مخاطب شان تناقض دارد. اگرهم آنرا صوری قبول کنند، بیشتر بعنوان یک کارت انتخاباتی به آن می نگرند. منشأ و نقطه عزیمت این دیدگاه معرفتی نیست، طبقاتی است. جنبشهای بورژوائی ایران، اعم از حکومتی و اپوزیسیونی، نظر به پلاتفرم اقتصادی تاجرپرستی و ضد کارگریشان، نمیتوانند منادی هیچ نوع تغییر در شرایط فقر و فلاکت اقتصادی کنونی باشند، سهل است، بسیاری از آنان انتظار دارند کارگران بیشتر جان بکنند و کمتر بگیرند تا ایشان "سری در میان سرها درآورند" و "وطن عزیز را دوباره بسازند"! فصل مشترک طبقاتی و پلاتفرم اقتصادی تقریباً یکسان، اجازه نمیدهد که اختلافات خانوادگی سایه بر منافع طبقاتی واحدشان بیاندازد. ناسیونالیسم چپ، پوپولیسم، کمونیسیم ملی، واریاسیونهای شبه سوسیال دمکراتیک جهان سومی، عشیره مداران و هویت طلبان فدرالیست، دعوایشان برسر سهم از خوان یغمای فلاکت اقتصادی طبقه کارگر در بازار داخلی است. اینها ممکن است از همدیگر هم بکشند و تاریخا چنین کرده اند اما علیرغم سایه روشنها سیاست متمایز طبقاتی ندارند و اشتراکاتشان بر اختلافاتشان می چربد.

وقتی از قلمروهای اصلی نبرد طبقاتی حرف میزنیم، به این نقطه عزیمت های اجتماعی و طبقاتی تقریباً یکسان جنبش های سیاسی- طبقاتی رجوع می دهیم و نه اختلافات نظری و سیاسی و یا سنتهای

متفاوتی که این یا آن نیرو از آن آمده اند. در جامعه طبقاتی و در نبرد طبقاتی تعارف وجود ندارد، چرخشهای سیاسی "محیرالعقول" بی پایه و فی البداهه نیستند، از نیت بد و نفهمیدن اوضاع سرچشمه نمی گیرند، بلکه از آگاهی و غریزه طبقاتی و از "روح جان سختی" سربرمی کنند که بدرازی تاریخ نقش ایفا کرده اند.

### تصویر حال و آتی

فقر پدیده ای نسبی است، همه جا و در هر قلمرو حاضر است، از اقتصاد و سیاست و فرهنگ و مناسبات اجتماعی و حقوقی و قضائی تا شاخص های متعدد هر دوره زندگی اجتماعی و اقتصادی. بسیاری از مردمی که ظاهراً ثروتی دارند و مرفه اند، از نظر فرهنگی و بینشی و همراهی با دستاوردهای پیشرفته انسان امروز بشدت فقر زده و اُمَل و عقب مانده اند. در ایران امروز به روایت آمار حکومتی بیش از نصف جامعه زیر خط فقر اقتصادی رسمی با زجر روزگار می گذرانند. خط فقر اقتصادی در تهران و کلان شهرها باز به روایت آمار حکومتی و بانک مرکزی، و نه با معیارهای تامین یک زندگی در شأن انسان امروز و حفظ کرامت وی، بیش از شصت درصد است و درآمدها و دستمزدها کفاف ده روز زنده ماندنی که نام بی مثنای "زندگی" را بر آن نهاده اند، نمیکند. گسترش نجومی آمار جنایت، زورگیری، فساد فردی و جمعی، ریختن ستونها و نرمهای اخلاقی و انسانی، خودمحوربینی، بیرحمی و قساوت، زن کشی، کودک آزاری، بازگشت به رفتارهای عهد عتیق، همه از پیامدهای فقر و فلاکت اند. جامعه ایران در سطح شاخص های تعریف شده جهان امروز در هر قلمرو در سطح کشورهای بسیار عقب نگاهداشته شده، عشیره ای و قبیله ای و در قعر جدولها قرار دارد. تردیدی نیست اینها محصول دیکتاتوری پشت دیکتاتوری، رژیمهای مستبد، نیازهای کارکرد سرمایه داری در کشورهایمانند ایران، و در چهار دهه اخیر محصول جنایت مستمر و کثافت فرهنگی و ارتجاع اسلام سیاسی بعنوان روبنای سرمایه داری ایران است. چشم انداز اوضاع نظر به حاد شدن بحران اقتصادی و پروژه تماماً ورشکسته جمهوری اسلامی، بسیار وخیم است. ایران با سونامی بیکاری، با فروپاشی اقتصادی، با انهدام میلیونها خانواده کارگری، با حاشیه نشینی دهها میلیونی، با فقر شدید و مطلق و با یک فلاکت اقتصادی توده های عظیم روبرو است. ایران از جوامعی است که عنوان "شکاف طبقاتی" تشدید شونده برای آن لوکس تلقی میشود. ما با نظامی روبرو هستیم که اکثریت عظیمی را به نداری، بیماری، بیکاری، حقارت، تنگدستی، فروپاشی روانی، خودکشی، جنایت، بی ارزشی مطلق جان انسان و "عادی کردن" آن روبرو کرده است.

### سازماندهی مبارزه علیه فقر و فلاکت

تردیدی نباید داشت که توجه اکید به این مسئله حیاتی و حضور فعال در جبهه مبارزه علیه فقر و فلاکت اقتصادی و هدف قرار دادن مسببین و بانیان این وضعیت یک شاخص تفکیک نیروهای سیاسی است. پرچم مبارزه علیه فقر و فلاکت اقتصادی و بیکاری مزمن همواره دست کمونیسیم و جنبش رهانبخش کارگری بوده است. مسئله بحدی عیان است که حکومتی ها مرتباً از شورش سی میلیون گرسنه، از انقلاب کارگری، از انفجار جامعه فقرزده سخن میگویند. مسئله بحدی جدی

مبارزه برای برانداختن سرمایه داری و حکومت حافظ آن جمهوری اسلامی، بر صف مستقل طبقاتی و بر اهداف متمایز طبقاتی خویش تاکید دارد. هیچ زمان در تاریخ صد سال اخیر ایران، بورژوازی تا این حد ضد کمونیسیت و ضد کارگر نبوده است. هیچ زمان در تاریخ یک سده گذشته، کارگر و کمونیسیم مانند امروز با تمام کمبودها و محدودیتهای واقعی اش بعنوان یک راه حل عینی مطرح نبوده است. هیچ زمان در تحولات سیاسی یک قرن گذشته از جمله در انقلاب ۵۷ اهداف کارگری و سوسیالیستی از اهداف و سیاست طبقه بورژوا و اردوی سرمایه داران بروشنی متمایز نبوده است.

سرمایه داری هیچ جای دنیا برای بیکاری راه حل ندارد. زمانی دولتهای رفاه ادعای بی پایه "اشتغال کامل" را داشتند، منتهای مدیدی است که همین دولتها با نرخ بیکاری دو رقمی و بیکاری روزافزون و لاعلاج روبرویند. یک واقعه مانند ویروس کرونا در خوشبینانه ترین بررسی ها چند صد میلیون به آمار بیکاران کنونی اضافه کرده است. تحولات تکنولوژیک و ساختاری سرمایه داری و پیامدهای آن دنیا را با بیکاری و بیکارسازی و نابودی شغلهای وسیعی روبرو کرده است. فقر شدید امروز دیگر پدیده ای ویژه کشورهای معینی نیست و در کشورهای مبتنی بر دیکتاتوری عریان و استثمار خشن نیروی کار ارزان، فقر شدید و فلاکت اقتصادی به یک جزء لاینفک زندگی صدها میلیون انسان بدل شده است. در جهان قرن بیست و یکم بردگی نوین در قلب دموکراسی بیداد میکند و فاشیسم و جنایت و خشونت سازمانیافته مقابل چشمان مردم جهان رژه میروند. اگر تاچندی پیش ظاهراً نیازهای رشد سرمایه داری افسار فاشیسم را کشیده بود، امروز نیروهای اولترا راست در جهان یا در حکومت اند و با پلاتفرمشان توسط دموکرات ترین دموکراسی ها کم و بیش اتخاذ میشود. لذا بورژوازی در اپوزیسیون ایران حرف زیادی نمیتواند برای گفتن داشته باشد، اینها هنر کنند پیراکی و مشتق سوم و چهارم ترامپ و برلسکونی اند. کارگر تکلیف اش باید روشن باشد و گرنه راهی جز بدل شدن به سرباز دون پایه ناسیونالیسم و فاشیسم ندارد. پوپولیسم راست و چپ امروز در دست هم بازی میکنند و کمابیش به یک کمپ واحد تعلق دارند.

لذا مبارزه با بیکاری کشنده کنونی، تقابل با فقر و فلاکت اقتصادی و چشم انداز نابودی اجتماعی، راهی جز سازماندهی و مبارزه ای قاطع و رادیکال برای انهدام تمام عیار نظامی ندارد که کمر به انهدام دستجمعی جامعه ایران بسته است. مبارزه با فقر و فلاکت اقتصادی و بیکاری وسیع، بعنوان یک جبهه مهم و تعیین کننده مبارزه طبقاتی، با جنبش برای سوسیالیسم گره خورده است. برخلاف نگرش دمده و عهد عتیقی "سوسیالیسم فقر"، تشدید فقر و فلاکت مبارزه برای سوسیالیسم را تسهیل نمیکند، برعکس آنرا سخت میکند و به فاشیسم و راست افراطی نیرو میدهد. اما مبارزه برای کم کردن آلام و مشقات تعرض سرمایه، بالا بردن توقع انسان امروز، بسیج عمومی حول آزادی و رفاه با پرچم سوسیالیسم، گره خوردگی مبارزه برای بهبود و اصلاحات با مبارزه برای نفی ریشه های تبعیض و فقر و بیکاری و استثمار کار مزدی، بدون پرچم سوسیالیسم، بدون دفاع قاطع و روشن از سوسیالیسم، بدون فراخوان سوسیالیسم و بدون سازماندهی نیروی سوسیالیسم غیر ممکن است.

۱۸ ژوئن ۲۰۲۰

## علیه فقر، فلاکت و بیکاری ...

است که منحنی ترین جناحهای حکومتی "مستضعف پناه" شده اند و تلاش دارند با سیاستهای نمایشی جلوی شکستن سدها و فوران سیل را بگیرند. آنها تجارب خیزشهای دیمه نود و شش و آبان نود و هشت را دارند و در کابوس تکرار وسیع تر و قریب الوقوع آن هستند. اما اظهارات حکومتی ها تنها بر واقعیات مسلم و غیر قابل انکار تاکید دارند. تناقض اینست که نمیشود جامعه ای را در فقر و فلاکت اسیر کرد و مرتباً برویشان شلیک کرد. هیچ چیز مشروع تر، واقعی تر و فوری تر از مبارزه برای زندگی و دفاع از خود نیست. نیروی این جنبش وسیع است و پتانسیل و جرم انفجاری عظیمی را گرد آورده است. ما بر سازماندهی توده ای و شورائی، بر تامین بی اما و اگر و فوری حرمت، یک زندگی شایسته انسان و تخفیف فوری و رفع بنیادی این شرایط دهشتناک تاکید داریم. ما از هر ابتکار و تلاش برای بسیج توده های عظیم به فقر و فلاکت کشیده شده، به بسیج خیل وسیع بیکاران، به سازماندهی مردمی که مانند برده با آنها رفتار میشود استقبال میکنیم و راساً فعالانه برای آن تلاش میکنیم. ما بهبود فوری این اوضاع تا نفی بنیادهای مادی و واقعی فقر و فلاکت را اجزای لاینفک یک مبارزه واحد میدانیم و کارگران کمونیسیت و اردوی سوسیالیست جامعه را به سنگربندی حول این مسئله و سازماندهی در اشکال مختلف فرامیخوانیم. علیه فقر و فلاکت و بیکاری و بیماری باید متحد شویم، باید سازمانهای توده ای متناسب در محلات و مناطق ایجاد کرد. باید توده های ذینفع و وسیع را بیدار کشید، باید شورش گرسنگان را فرض گرفت و شورش کور را به عمل آگاهانه و رادیکال برای تغییر بدل کرد. باید جنبش شورائی و افق سوسیالیستی نفی فقر و فلاکت را در قلمرو سیاست و مبارزه طبقاتی بیدار کشید.

### سوسیالیسم نیاز فوری است!

ایران امروز با جمهوری اسلامی مطلقاً هیچ راه برون رفتی از بحرانهای تو در تو ندارد. هیچ بخش بورژوازی ایران حتی ادعای اینرا ندارد که میتواند جامعه را از بحران و انهدام کنونی عبور دهد. بورژوازی ایران فاشیست مسلک، آنتی کمونیسیت، مذهب زده، سنتی و ادامه خاندان مشروعه- مشروطه است. تا به مسئله فقر روزافزون، بیکاری نجومی و چشم انداز فلاکت اقتصادی مربوط است، نه در کوتاه مدت و نه در میانمدت بورژوازی ایران راه حل قابل اعتنائی ندارد. با آمریکا می سازیم، سرمایه ها وارد میشوند، اشتغال ایجاد میکنیم، آزادی میدهیم، لیبرال دموکراسی می آوریم و بازار آزاد مسائل را حل میکند، چرندیاتی بیش نیستند که بیشتر به وعده های انتخاباتی و تبلیغات بنگاه دارها می مانند. کلیه جناحهای متفرقه بورژوازی ایران، از سنتی تا شبه مدرن آن، دشمن طبقه کارگر و آزادیخواهی و برابری طلبی سوسیالیستی اند و از هم اکنون و بدون تعارف بعنوان یک طبقه واحد علیه کارگر و راه حل سوسیالیستی آزادی جامعه در صفا واحد قرار دارند.

طبقه کارگر و حزب کمونیسیتی کارگری در کشمکش طبقاتی جاری و

**یا کار یا بیمه بیکاری! بیمه بیکاری مکنی برای تمام افراد آماده به کار!**

## دولت را موظف کنیم:

- بیدرنگ شهرها و مناطقی بحرانی را قرنطینه کند، نیازهای بهداشتی، اقتصادی، تدارکاتی و خدماتی ویژه قرنطینه را تامین و تضمین کند!
- بیشترین امکانات و بودجه را به کادر درمان و نیازهای درمانی اختصاص دهد!
- کلیه مراکز تولیدی و خدماتی اعم از دولتی و خصوصی را تعطیل کند. تداوم فعالیت مراکز ضروری و اورژانس، بصورت شیفته با کاهش ساعات کار باشد!
- حقوق کارگران و پرسنل واحدهای تولیدی و خدماتی بدون کاهش یا تعویق پرداخت شود!
- هر نوع اخراج و بیکارسازی توسط کارفرمایان ممنوع شود!
- نیازهای معیشتی و پزشکی و بهداشتی کلیه ساکنین ایران را به فوریت تامین کند!
- کودکان کار، زباله گردها، بی مسکنان و معتادین را در مراکز ویژه با رعایت کامل کرامت انسانی و تامین نیازهای معیشتی و بهداشتی آنان اسکان دهد!
- وسائل بهداشتی از قبیل ماسک، دستکش و شوینده ها بصورت رایگان توزیع شود!
- پرداخت قبوض آب و برق و گاز و اجاره و تلفن تا فائق آمدن کامل به بحران لغو شود!
- کلیه بدهی و دیون مردم به بانکها تا پایان بحران و برگشت به وضعیت عادی لغو شود!

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اسفند ۱۳۹۸

زنده باد سوسیالیسم!